**جلسه 85**

**دو‌‌‌شنبه - 07/01/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به مسئله دوم بود که صاحب عروه فرمود مراد از وقت مختص ظهر یا وقت مختص عصر این است که در وقت مختص ظهر نمی‌شود نماز عصر خواند و یا در وقت مختص عصر اگر نماز عصر نخواندیم باید نماز عصر بخوانیم، حق نداریم که نماز ظهر بخوانیم و نماز عصرمان قضاء بشود.

بعد نتیجه می‌‌گیرد، می‌‌گوید حالا اگر وقت مختص ظهر است ولی ما نماز ظهرمان را خواندیم، قبل از دخول وقت فکر کردیم وقت داخل شده شروع کردیم نماز ظهر خواندیم، ‌سلام نمازمان داخل وقت بود بعد از سلام نماز فهمیدیم ما اشتباه کردیم و زودتر از وقت نماز را شروع کردیم ولی روایت اسماعیل بن رباح گفت فقد اجزأت عنک، ‌این نماز ظهر صحیح است چون بعضی از آن داخل وقت بوده. حالا لزومی ندارد که بعد از این نماز ظهری که خواندیم و شرعا هم صحیح است صبر کنیم به مقدار چهار رکعت از اذان ظهر بگذرد تا ما نماز عصر را شروع کنیم، نه، معنای وقت مختص ظهر این است که اگر نماز ظهر را نخواندیم حق نداریم نماز عصر را بخوانیم، ‌ما که نماز ظهرمان را خواندیم. و لذا هیچ مشکلی نداریم، ‌نماز عصرمان را فورا می‌‌خوانیم با این‌که هنوز مقدار چهار رکعت از اذان ظهر نگذشته.

ما عرض کردیم چون مشهور استناد کردند در قول به وقت مختص به روایت داوود بن فرقد که البته مرسله هست و ما قبول نکردیم این روایت را و لکن مشهور گفته‌اند که این روایت معتبره هست بخاطر اعتماد قدماء بر آن، در روایت داوود بن فرقد صریحا گفته بود که اذان ظهر که شد، وقت نماز ظهر می‌‌شود، ‌فاذا مضی مقدار اربع رکعات فقد دخل وقت العصر.

شما لابد می‌‌فرمایید که انصراف دارد از همچون فرضی که ما قبل از دخول وقت نماز ظهر را شروع کردیم و سلام نماز ظهر داخل وقت بود، ‌در اینجا نیازی به مضی مقدار اربع رکعات برای این‌که وقت نماز عصر داخل بشود نیست، روایت از این فرض منصرف است.

و لکن منشأ این انصراف چیه؟ ما چه می‌‌دانیم. شاید شارع وقت نماز عصر را بعد از مقدار چهار رکعت از اذان ظهر قرار داده باشد وقت نماز عصر را. البته مسافر اگر بود وقت نماز عصر بعد از گذشت مقدار دو رکعت بود. اما این‌که بگوییم این آقایی که سلام نمازش را در داخل وقت فقط داده و روایت اسماعیل بن رباح گفت فقد اجزأت عنک، ‌نمازت صحیح است چون فکر می‌‌کردی وقت داخل شده، بخشی از نمازت هم داخل بود نمازت صحیح است، ‌بگوییم انصراف دارد روایت داوود بن فرقد بگوییم اینجا هم همین مقدار کافی است برای دخول وقت نماز عصر؟ حالا مناسبت حکم و موضوع اقتضاء می‌‌کند که این مقدار اربع رکعات در این روایت، به لحاظ غالب هست که در حضر بودند، ‌حالا کسی در سفر بود ظهور عرفیش این است که اذا مضی مقدار رکعتین.

[سؤال: ... جواب:] این مطلب که انصراف داشته باشد این روایت به این‌که مقداری بگذرد از وقت که شما نماز ظهر صحیح بخوانی، البته نماز ظهر صحیح بالفعل خواندن که مهم نیست برای این‌که شما مقدار چهار رکعت از اذان ظهر که گذشت و لو نماز ظهر را نخواندید، ‌وقت نماز عصر داخل می‌‌شود طبق نظر وقت مختص. وقت مختص می‌‌گوید که اگر مقدار چهار رکعت در حضر یا مقدار دو رکعت در سفر که گذشت و لو نماز ظهر نخواندید وقت نماز عصر داخل می‌‌شود، و این ثمره هم دارد. حالا بحث در این است که این آقایی که سلام نمازش را بعد از اذان ظهر داده، و شارع هم گفته که خب عمده نمازت بعد از اذان ظهر بود ولی چون فکر می‌‌کردی وقت داخل شده، سلام نمازت هم که بعد از دخول وقت بوده این نماز صحیح است، ‌کلام در این است که آیا روایت داوود بن فرقد اینجا هم انصراف دارد به این‌که نه دیگه، اینجا نیازی به گذشت چهار رکعت نیست، وقت نماز عصر همان چند لحظه بعد از اذان ظهر فرا می‌‌رسد چون تا شما گفتی السلام علیکم، ‌نماز ظهرت تمام شد، چند ثانیه از اذان ظهر نگذشته می‌‌توانی نماز عصر بخوانی؟ عرض ما این است که ادعای انصراف منشأش چیه؟

[سؤال: ... جواب:] دلیل بر تقیید چیه؟ روایت اسماعیل بن رباح می‌‌گوید نماز عصری که خواندی مجزی است اما نمی‌گوید نماز عصر را می‌‌توانی همین الان شروع کنی بخوانی. بله، نمازی که خواندی مجزی است، اما می‌‌توانی نماز عصر را شروع کنی؟ روایت می‌‌گوید وقت نماز عصر موقعی داخل می‌‌شود که اذا مضی اربع رکعات من الزوال. بله، ‌قطعا مقدار اربع رکعات همه جا لازم نیست، در سفر مقدار رکعتین هم بگذرد کافی است. اما این منشأ می‌‌شود که ما دیگه اینقدر توسعه بدهیم انصراف را بگوییم در این موردی هم که شما نمازت را قبل از وقت شروع کردی، نماز ظهرت را، ‌نماز ظهرت جزئیش داخل وقت باشد که صحیح هست طبق روایت اسماعیل بن رباح، ‌این هم کافی است برای دخول وقت نماز عصر؟ این ادعا مشکل هست.

و لذا مرحوم آقای حکیم هم فرموده این خلاف احتیاط واجب هست. احتیاط واجب این است که این آقا صبر کند تا مقدار چهار رکعت بگذرد از اذان ظهر بعد شروع کند نماز عصر را بخواند. اما ما چون مبنای وقت مختص را قائل نیستیم مشکل نداریم اما صاحب عروه که مبنای وقت مختص را قائل است ما به ایشان اشکال می‌‌کنیم که شما چرا ادعای انصراف می‌‌کنید، می‌‌گویید انصراف روایت داوود بن فرقد این است که یا مقدار چهار رکعت از اذان ظهر بگذرد در حضر یا مقدار دو رکعت بگذرد در سفر یا نماز ظهر صحیح خوانده باشی.

[سؤال: ... جواب:] بهرحال در هر موردی که شارع خودش گفته که نماز صحیح است، مثل صلات در موارد خوف، ‌خب بله، بعدش می‌‌تواند، بعد از نماز ظهر نماز عصر بخواند. این مقدار انصراف را ما قبول داریم. اما این‌که نماز ظهرش را با ارفاق قبول کردند، ان کنت تری انه دخل الوقت فصلیت، فدخل الوقت و انت فی الصلاة فقد اجزأت عنک، روایت داوود بن فرقد از این مورد انصراف داشته باشد، این مورد را بگوییم نه، ‌دیگه همین که نماز ظهر صحیح را خواندی بلند شو نماز عصر را بخوان، انصراف حالا یا جزما یا احتمالا مشکل هست.

صاحب عروه در فرضی که این آقا نماز ظهر را نخواند، حالا نماز ظهر را چرا نخوانده، یک فرضش این است که حواسش نبود فکر کرد قبلا نماز ظهرش را خوانده، شروع کرد نماز عصر را خواند، اول اذان ظهر شروع کرد نماز عصرش را خواند، فکر کرد نماز ظهرش را خوانده، توجه ندارد که بابا! الان اذان ظهر گفتند، در وقت ظهر نماز عصر را خواند، یا این‌که نه، فکر می‌‌کرد، وقت داخل شده نماز ظهرش را خواند، ‌کل نماز ظهرش قبل از وقت بود، سلام نماز ظهرش هم قبل از وقت بود، خب باطل است دیگه، ولی توجه نداشت، بعد از این‌که نماز ظهرش را به این نحو خواند که باطل است، قبل از وقت بوده‌، بلند شده نماز عصر را در همان وقت مختص ظهر خوانده، صاحب عروه معتقد است که این نماز عصر باطل است. مگر این‌که به عنوان نماز ظهر پذیرفته بشود و الا اگر به عنوان نماز ظهر پذیرفته نشود به عنوان نماز عصر باطل است. چرا؟ برای این‌که نماز عصر را در وقت مختص ظهر خوانده و اخلال کرده به شرطیت وقت. اخلال به شرطیت وقت که دیگه معفو نیست، حدیث لاتعاد در مواردی که اخلال به وقت بشود جاری نمی‌شود. لاتعاد الصلاة الا من خمس الوقت و القبلة و الرکوع و السجود و الطهور. خب این آقا اخلال کرده به وقت. و الا اگر در وقت مشترک این آقا نماز عصر را زودتر می‌‌خواند قبل از نماز ظهر، مشکل نداشتیم، در وقت مشترک نماز عصر را مقدم کرد بر نماز ظهر سهوا، ما مشکل نداشتیم، اخلال به شرطیت ترتیب بود. اما در وقت مختص ظهر نماز عصر را بخواند، ‌این مشکل اخلال به شرطیت وقت است و این نماز محکوم به بطلان است.

مرحوم آقای بروجردی فرمودند که باید تفصیل بدهیم: این نماز عصر که این آقا خوانده، بالاخره بخشیش در وقت مشترک قرار می‌‌گیرد یا نمی‌گیرد؟ می‌‌شود فرض کرد که این آقا حداقل مقدار چهار رکعت را که کمترین مقدار چهار رکعت فرض کنید، دو دقیقه است که انسان در دو دقیقه بتواند چهار رکعت نماز بخواند، آن وقت این آقا در همین دو دقیقه نماز عصرش را خواند؟ این متعارف نیست. بالاخره یک مقدار قنوت می‌‌گیرد، بعضی از اذکار مستحبه را می‌‌گوید، ‌یک مقدار مکث می‌‌کند در اثناء، حداقل به مقدار سلام نمازش، این نماز عصر بیشتر می‌‌شود از آن مقدار اربع رکعات، یک بخشی و لو کوچک از این نماز عصر، داخل در وقت مشترک می‌‌شود. وقتی این‌جور شد، روایت اسماعیل بن رباح شامل این نماز عصر می‌‌شود. اگر فرض بکنیم کل این نماز عصر در وقت مختص ظهر بود، ‌بله، این نماز عصر باطل است. اما معمولا این‌طور نیست. معمولا و لو حداقل یک سلام این نماز در وقت مشترک واقع می‌‌شود. چون انسان می‌‌تواند که مختصرتر از این هم نماز بخواند، به جای سوره توحید می‌‌تواند سوره کوثر بخواند، زودتر.

[سؤال: ... جواب:] نه، حداقل چهار رکعت به این است که نه قنوت بگیرد، نه سه تا سلام را بدهد، ‌یک سلام کافی است، ‌نه سه تا تسبیحات اربعه را بگوید، ‌یک تسبیحات اربعه کافی است. مقدار اربع رکعات یعنی اربع رکعات با اکتفاء‌ به واجبات. ... حالا من دیگه از این سریع‌تر نمی‌خواند چهار رکعت را. حالا نماز عصر من بعد از این حداقل مقداری است که من چهار رکعت می‌‌توانم نماز ظهر را بخوانم. خب این‌طور نیست که نماز عصرم دقیقا همین مقداری که من متمکنم که چهار رکعت نماز بخوانم قرار بگیرد. خب انسان یک مستحباتی را یا غیر مستحبات، تأنی و مکثی که می‌‌کند در اثناء این منشأ می‌‌شود که حداقل سلام نماز عصرش داخل در وقت مشترک بشود و روایت اسماعیل بن رباح شاملش می‌‌شود که می‌‌گوید اگر فکر می‌‌کردی وقت داخل شده و نماز خواندی، ‌بعد وقت داخل شد در اثناء نماز، ‌نماز صحیح است.

[سؤال: ... جواب:] چه فرق می‌‌کند. روایت اسماعیل بن رباح مگه نمی‌گفت تری انک فی وقت فصلیت فدخل الوقت و انت فی الصلاة فقد اجزأت عنک. ... چه فرق می‌‌کند دیگه. بالاخره بعضی از این نماز عصر داخل وقت است. وقت نماز عصر بعد از گذشت مقدار چهار رکعت از اذان ظهر است، ‌خب من فکر می‌‌کردم وقت نماز عصر شده، ‌شروع کردم نماز عصر را خواندن. بله، اگر مدلول مطابقی روایت اسماعیل بن رباح را در نظر بگیرید، خب این مدلول مطابقیش مواردی است که آدم در تشخیص وقت اشتباه می‌‌کند. این آقا در حقیقت در تشخیص وقت نماز عصر چه بسا اشتباه نکرده، ‌فکر می‌‌کرده که نماز ظهرش را خوانده. ولی این خصوصیت ندارد عرفا. علاوه بر این‌که گاهی هم آدم در وقت اشتباه می‌‌کند. این کسی که فکر می‌‌کند وقت شده، هم در اذان ظهر دچار اشتباه می‌‌شود هم در دخول وقت نماز عصر دچار اشتباه می‌‌شود دیگه. کسی که دچار اشتباه می‌‌شود فکر می‌‌کند الان اذان ظهر شده در حالی هنوز اذان ظهر نشده، هم در وقت نماز ظهر اشتباه می‌‌کند، ‌هم در وقت نماز عصر. در وقت نماز عصر هم دچار اشتباه شده دیگه. و لذا روایت اسماعیل بن رباح مانعی ندارد.

بحثی که هست در اینجا این است: صاحب عروه می‌‌گوید اگر نماز ظهر را نخوانده نماز عصر را بخواند سهوا، در وقت مختص ظهر باشد، نمازش باطل است. چون اخلال کرده به شرطیت وقت بناء‌ بر قول به وقت مختص. ولی اگر در وقت مشترک باشد، نماز عصرش به جای نماز ظهر می‌‌نشیند. شما فرض کنید ساعت دو بعدازظهر است، ساعت دو بعدازظهر فکر می‌‌کردید نماز ظهرتان را خواندید، آمدید وضوء گرفتید نماز عصر را خواندید، بعد از نماز عصر متوجه شدید که نماز ظهرتان را نخوانده بودید و وقت هم وقت مشترک بوده، صاحب عروه می‌‌گوید که مشهور می‌‌گویند این نماز به عنوان نماز عصر صحیح است. حدیث لاتعاد هم می‌‌گوید اخلال کردی به شرطیت ترتیب بین نماز ظهر و عصر، ‌مهم نیست، لاتعاد الصلاة. اما صحیحه زراره، ‌صاحب عروه فرموده است که صحیحه زراره گفته که این نمازی که تو خواندی به عنوان نماز عصر، فإنوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع. این نماز خوانده شده را به عنوان نماز عصر نیت کن ‌نماز ظهر بشود. فانوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع. این مفاد صحیحه زراره است. صاحب عروه می‌‌گوید که ما بر اساس مفاد این صحیحه فتوی می‌‌دهیم و می‌‌گوییم که این نماز به عنوان نماز ظهر قبول می‌‌شود.

در رابطه با این روایت صحیحه زراره که فانما هی اربع مکان اربع، ‌مطالبی هست که عرض می‌‌کنیم:

مطلب اول این است که مشهور در مورد کسی که در اثناء نماز عصر یادش بیاید که نماز ظهرش را نخوانده، پذیرفتند که عدول می‌‌کند به نماز ظهر و روایاتی هم داریم که در اثناء نماز عصر اگر ملتفت شدی که نماز ظهرت را نخواندی، ‌عدول کن به نماز ظهر و مشهور هم به این فتوی می‌‌دهند. اما بعد از فراغ از نماز مشهور فتوی ندادند به این‌که این نماز عصری که خواندی، عدول کن به نماز ظهر و بگو این نماز عصری که خواندم نماز ظهر است. و این یعنی اعراض مشهور از صحیحه زراره. و بعید است که صاحب عروه اعراض مشهور را موهن نداند. و لذا علمایی که تعلیقه زدند به عروه خیلی‌ها متعرض این مطلب شدند که این صحیحه زراره قابل عمل نیست لاعراض الاصحاب عنها.

البته ما اعراض مشهور را موهن نمی‌دانیم و لذا چون اعراض مشهور را موهن نمی‌دانیم می‌‌توانیم به این روایت عمل کنیم.

اینی هم که آقای سیستانی در تعلیقه عروه فرمودند که معلوم نیست که این فقره حدیث از امام باقر علیه السلام باشد، ‌شاید فتوی زراره است...

[سؤال: ... جواب:] همین فقال اذا نسیت الظهر فصلیت العصر فذکرت و انت فی الصلاة او بعد ما تفرغ منها فانوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع.

این فقره معلوم نیست که حدیث امام باقر علیه السلام باشد. شاید این فتوی زراره است. زراره اول از امام باقر حدیثی را نقل می‌‌کند و لذا حریز می‌‌گوید که زراره قال قال ابوجعفر علیه السلام، دو تا قال دارد، حریز عن زراره قال قال ابوجعفر علیه السلام. خب آن فقره اولی حدیث از امام باقر است، در ادامه که می‌‌گوید و قال اذا نسیت الظهر فصلیت العصر فذکرت بعد فراغک منها فانوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع شاید این و قال معنایش این است که حریز می‌‌گوید قال زراره، ‌زراره این‌جور گفت. پس احتمال دارد که این فتوی زراره باشد. معلوم نیست که و قال یعنی و قال الامام علیه السلام.

آقای سیستانی در تعلیقه عروه این اشکال را کردند و فرمودند ممکن هست بلکه محتمل است قویا، قریب به این مضمون، که منشأ اعراض مشهور همین مطلب بوده که مشهور دیدند این معلوم نیست حدیث امام علیه السلام باشد، شاید این فتوی زراره باشد که برای ما حجیت ندارد.

عن زراره عن ابی جعفر علیه السلام قال: اذا نسیت صلات او صلیتها بغیر وضوء و کان علیک قضاء صلوات فإبدأ باولهن. این یک مطلب. و قال قال ابوجعفر علیه السلام، ببینید! دو بار تکرار شد، و قال قال ابوجعفر، ‌اینجا دو بار تکرار شد قال، و ان کنت قد صلیت الظهر و قد فاتتک الغداة فذکرتها فصل الغداة‌ای ساعة ذکرتها و لو بعد العصر و قال، اینجا یک بار تکرار شد، قبلش که می‌‌خواست حدیث امام را نقل کند دوبار گفت قال، یعنی حریز گفت و قال، حریز گفت قال زرارة قال ابوجعفر علیه السلام، اینجا یک بار گفت قال، حریز یک بار گفت قال، خب یک بار گفت قال، یعنی قال زراره دیگه، زراره گفته اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر فذکرتها و انت فی الصلاة او بعد فراغک فانوها الاولی ثم صل العصر فانما هی اربع مکان اربع.

و لذا ایشان می‌‌فرمایند که این محتمل هست قویا که فتوی زراره باشد و هیچ اعتباری برای ما ندارد.

به نظر ما این فرمایش ناتمام است. برای این‌که ظاهر این فقرات این است که حدیث امام علیه السلام هست، "و قال" زراره دارد می‌‌گوید، همان‌ که و قال قال ابوجعفر، زراره می‌‌گفت قال ابوجعفر، حالا هم دارد زراره می‌‌گوید و قال. قرینه ما بر این مطلب چیه؟ قرینه ما بر این مطلب ذیل روایت است. در ذیل روایت بعد از این‌که امام علیه السلام احکام را بیان کرد، آخرین حکمی که بیان کرد این است: فان کنت قد نسیت العشاء حتی صلیت الفجر فصل العشاء و ان کنت ذکرتها و انت فی الرکعة الاولی او فی الثانیة من الغداة فانوها العشاء ثم قم فصل الغداة و ان کانت المغرب و العشاء قد فاتتاک جمیعا فابدأ بهما قبل ان تصلی الغداة فان خشیت ان تفوتک الغداة فابدأ بالمغرب ثم الغداة ثم صل العشاء. کسی که نماز مغرب و عشائش را فراموش کرده امام فرمودند صبح که بلند شد، اول نماز مغرب و عشاء را بخواند بعد نماز صبح را بخواند و اگر می‌‌ترسد که نماز صبح فوت بشود اول مغرب را بخواند بعد نماز صبح را بخواند بعد عشاء را بخواند و اگر می‌‌ترسد که نماز مغرب را هم بخواند باز نماز صبحش فوت بشود اول نماز صبح را بخواند بعد نماز مغرب را بخواند. و ان خشیت ان تفوتک الغداة ان بدأت بالمغرب فصل الغداة ثم صل المغرب و العشاء ابدأ باولهما. قلت و لم ذاک؟ قال لانک لست تخاف فوتها. امام فرمود که اگر می‌‌ترسی نماز صبحت فوت بشود ‌اگر قضاء نماز مغرب و عشاء را بخوانی، نماز صبحت را اول بخوان، نماز مغرب و عشاء را قضائش را کی بخوان؟ بعد از شعاع شمس، ‌بعد از این‌که خورشید بیاید بالا، اول شعاع شمس نخوان، بعد از شعاع شمس بخوان، زراره می‌‌گوید و لم ذاک؟ چرا؟ قال لانک لست تخاف فوتها چون دیگه نماز مغرب و عشائت فوت شده، دیگه تاخیرش که مشکلی ایجاد نمی‌کند و لذا تاخیر بیندازد بعد از شعاع شمس نماز مغرب و عشاء را بخوان. خب این قال قلت و لم ذاک، این قال به کی می‌‌خورد؟ خوب دقت کنید! با توجیه ما این قال قلت حریز دارد می‌‌گوید. حریز می‌‌گوید قال زراره قلت، زراره با کی صحبت می‌‌کرد؟ با امام علیه السلام، ‌حریز دارد می‌‌گوید قال زرارة قلت و لم ذاک؟ قال لانک لست تخاف فوتها. اما آقای سیستانی این قال را باید بگوید که قبل از حریز، قال حریز را کی می‌‌گوید؟ حماد باید بگوید. یعنی حماد هم باید بیاید وسط. این خلاف ظاهر است دیگه. بحث در این بود که حریز می‌‌گفت قال زرارة قال ابوجعفر علیه السلام، حالا...

[سؤال: ... جواب:] این قال را کی گفته؟ ... می‌‌دانم، ‌زراره به کی گفته قلت؟ ... خب همین را می‌‌گوید دیگه. ما می‌‌گوییم این مطلبی است که زراره از امام سؤال کرده و امام جواب داده. پس حدیث است نه فتوی زراره. قال قلت و لم ذاک؟ قال لانک لست تخاف فوتها.

اینی که آقای سیستانی احتمال دادند این خلاف ظاهر است. چرا؟ برای این‌که معنای احتمال آقای سیستانی این است که بگوییم قال قلت یعنی حماد دارد می‌‌گوید قال حریز قلت لزرارة و لم ذاک؟ فقال زرارة لانک لست تخاف فوتها. خب این خلاف ظاهر است.

دقت بفرمایید! ما این احتمال را که ایشان از آن فقره "و قال اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر فذکرتها و انت فی الصلاة او بعد فراغک فانوها الاولی ثم صل العصر فانما هی اربع مکان اربع" احتمال می‌‌دهند که این معنایش این باشد که حریز می‌‌گوید و قال زرارة و این قول زراره باشد نه قول امام علیه السلام، این را خلاف ظاهر می‌‌دانیم.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.

و این مطلب را هم دنبال کنیم که بر فرض این روایت تمام بشود چرا صاحب عروه در وقت مختص ظهر اگر نماز عصر را خواندیم به این روایت تمسک نکرد که بگوید این نماز عصری که در وقت مختص ظهر هم خواندید، انما هی اربع مکان اربع و به جای نماز ظهر حساب می‌‌شود. این را تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.